

در آرایشگاه

(علی و پسر عمویش سعید به آرایشگاه سرکوجه می روند. وارد می شوند ، سلام می کنند و در گوشه ای به انتظار نوبت می نشینند. چندی بعد آرایشگر صدا می کند.)

آرایشگر: بفرمائید آقای علی! نوبت شما است.

علی: آقا! اول موهای پسر عمویم سعید را اصلاح کنید.

آرایشگر: خوب! آقای سعید! شما اول تشریف بیاورید. موهایتان را چطور اصلاح کنم؟

سعید: موهای اطراف سرم را کمی کوتاه کنید. البته خط شقیقه هایم را زیاد بالا نبرید. (آرایشگر شانه و قیچی را در دستش می گیرد و تند تند موهای سعید را کوتاه می کند.)

(پس از اصلاح سعید توی آئینه نگاه می کند و به علی می گوید)

سعید: برادر جان، موهایم چطور شده است؟

علی: خیلی قشنگ شده است. از اصلاح موهایت خیلی خوشم آمد.

امیدوارم پدر و مادرت هم خوششان می آید.

آرایشگر: خوب آقای علی! نوبت شما است. موهایتان را چطور اصلاح کنم؟

علی: موهایم را مثل موهای سعید بزنید. اما مواظب باشید که کار درست انجام بگیرد.

آرایشگر: خاطر جمع باشید. من کار خودم را با کمال احتیاط انجام می دهم.

آقا! می خواهید سرتان را هم بشویم.

علی: بلی به سرم کمی روغن هم بزنید.

(پس از اصلاح ، علی و سعید بہ خانہ برمی گردند۔ ہمیں کہ خانم ظہیر چشمش بہ
 پسرش سعید می افتد ، می گوید)
 خانم ظہیر : بہ بہ سعید جان ! با موہای کوتاہ چقدر قشنگ شدہ ای۔
 (سعید توی آنینہ نگاہ می کند و لبخند می زند)
 سعید : بلی مادر جان آرایشگر در کار خودش خیلی ماهر است۔ نگاہ کنید علی ہم
 چقدر قشنگ بنظر می رسد امیدوارم پدرم نیز از آرایش موہای من خوششان بیاید۔
 (مقتبس از گلشن فارسی دوم)

فرہنگ

آرایشگاہ : حجام کی دکان ہیر ڈرینگ سیلون	پسر عمویش : اس کا چچا زاد بھائی
وارد شدن : داخل ہونا	اصلاح : بال کاٹنا
آرایشگر : حجام، ہیر ڈریر	شقیقہ : کپٹی
کوتاہ کردن : چھوٹا کرنا	بالا بردن : اونچا لے جانا
خط شقیقہ : قلم	قیچی : قینچی
شانہ : کنگھی	تند تند : جلدی جلدی
توی آنینہ : آئینے میں	خوش آمدن : اچھا لگنا
موزدن : بال کاٹنا	مواظب باشید : محتاط رہیے
با کمال احتیاط : بڑی احتیاط کے ساتھ	انجام دادن : انجام دینا
شستن : دھونا، شپو کرنا	روغن زدن : تیل لگانا

برگشتن : واپس آنا (مضارع: برگردد)

لبخند زدن : مسکراتا

کمی : تھوڑا سا

قشنگ : خوبصورت

آرایشگاہ سر کوچہ : گلی کی ٹکڑ پر حجام کی دکان

چشمش بہ آنہا افتاد : اُس کی نظر اُن پر پڑتی ہے۔

بہ بہ : واہ واہ، کیا خوب، بہت عمدہ

بہ نظر رسیدن : دکھائی دینا